



بررسی نظریات تالکوت پارسونز در تغییرات فرهنگی پس از انقلاب اسلامی

محمدعلی دانش صدیق^۱، ابوالفضل داودی رکن آبادی^۲، محمدرضا شریف زاده^۳، پژمان دادخواه^۴

^۱ دانشجوی دکتری، گروه هنر، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

^۲ استاد، گروه طراحی پارچه و لباس، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

^۳ استاد، گروه هنر، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۴ استادیار، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

چکیده

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تحولات عمیقی در نظام فرهنگی کشور ایجاد کرده است؛ این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب نظریه سیستم‌های اجتماعی تالکوت پارسونز، به تحلیل این تغییرات فرهنگی پرداخته و چهار کارکرد اصلی پارسونز (انطباق، نیل به هدف، یکپارچگی و حفظ الگو) را به عنوان مبانی نظری در نظر گرفته است. پژوهش حاضر با روش کیفی تحلیل محتوا و با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۲ خبره شامل اساتید دانشگاه، سیاستگذاران فرهنگی و صاحب نظران حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی انجام شده و داده‌های حاصل با روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفته و در چارچوب نظریه پارسونز تحلیل شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که نظام فرهنگی ایران پس از انقلاب در چهار حوزه اصلی تحول یافته است که شامل کارکرد انطباق در قالب اقتصاد مقاومتی و دیپلماسی فرهنگی به عنوان راهبردهای موفق سازگاری فرهنگی شناسایی شدند؛ کارکرد نیل به هدف در قالب اسلامی سازی نهادهای آموزشی و تولید علم دینی به عنوان دستاوردهای کلیدی مورد تأکید قرار گرفت؛ در کارکرد یکپارچگی، تقویت هویت شیعی-ایرانی و ایجاد مناسبت‌های مشترک به عنوان عوامل انسجام بخش ارزیابی شد و در کارکرد حفظ الگو، تحول نظام آموزشی و بازتعریف مفاهیم فرهنگی به عنوان مکانیسم‌های مؤثر بازتولید ارزش‌ها شناخته شدند. نتیجه‌گیری راهبردی تحقیق حاکی از آن است که الگوی پارسونزی می‌تواند چارچوب مناسبی برای تبیین تغییرات فرهنگی ایران ارائه دهد، هرچند برخی چالش‌ها مانند شکاف نسلی نیازمند تقویت سیاست‌های فرهنگی است. این پژوهش پیشنهاد می‌کند برای تقویت کارکردهای فرهنگی، به ترکیب هوشمندانه سنت و مدرنیته در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی توجه ویژه شود.

واژه‌های کلیدی: تالکوت پارسونز، انقلاب اسلامی، تغییرات فرهنگی، تحلیل محتوای کیفی

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از رویدادهای مهم قرن بیستم، نه تنها ساختار سیاسی و اجتماعی ایران را دگرگون کرد، بلکه تغییرات عمیقی را در حوزه فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایرانی به وجود آورد. فهم و تحلیل این تغییرات فرهنگی، نیازمند چارچوب‌های نظری منسجم و عمیق است (Wicaksono, 2024). در این میان، نظریات تالکوت پارسونز، جامعه‌شناس برجسته آمریکایی، با تمرکز بر نظام اجتماعی، کارکردگرایی و ارزش‌های فرهنگی، می‌تواند ابزاری کارآمد برای بررسی این تحولات باشد. ایران پس از انقلاب، صحنه تلاقی ایدئولوژی‌های مختلف، تقابل سنت و مدرنیته، و ظهور الگوهای جدید رفتاری و ارزشی بود. این تغییرات، پرسش‌های اساسی را در مورد هویت فرهنگی، انسجام اجتماعی، و نقش دین در جامعه برانگیخت (Mohammady et al., 2025). تلاش برای پاسخ به این پرسش‌ها، مستلزم بررسی دقیق ابعاد مختلف تغییرات فرهنگی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن است؛ در حالی که مطالعات متعددی به بررسی تغییرات فرهنگی پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند (Tavasoli, 2025)، این پژوهش با تمرکز خاص بر نظریات تالکوت پارسونز، رویکردی نوآورانه در زمینه تغییرات فرهنگی پس از انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد. استفاده از چارچوب نظری پارسونز برای تحلیل این تحولات، امکان ارزیابی سیستماتیک و جامع از تأثیر انقلاب بر ابعاد مختلف نظام فرهنگی ایران را فراهم می‌کند. این رویکرد، نه تنها به فهم عمیق‌تر این تحولات کمک می‌کند، بلکه امکان مقایسه و تحلیل تطبیقی با سایر جوامع در حال گذار را نیز فراهم می‌سازد. اهمیت این پژوهش در چند وجه قابل تبیین است، از یک سو این پژوهش با استفاده از نظریات پارسونز، به توسعه دانش نظری در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و مطالعات انقلاب کمک می‌کند، از سوی دیگر این پژوهش با تحلیل عمیق تغییرات فرهنگی پس از انقلاب، به فهم بهتر تحولات اجتماعی ایران کمک می‌کند و به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی امکان می‌دهد تا تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند و همچنین با ارائه چارچوب تحلیلی مبتنی بر نظریات پارسونز، زمینه را برای انجام پژوهش‌های آتی در این حوزه فراهم می‌کند. ضرورت این پژوهش از این بعد نیز قابل تأمل است که شناخت دقیق تغییرات فرهنگی پس از انقلاب، برای حفظ انسجام اجتماعی، تقویت هویت ملی، و مقابله با چالش‌های فرهنگی ضروری است؛ لذا اهداف اصلی پژوهش حاضر عبارتند از بررسی ابعاد مختلف تغییرات فرهنگی پس از انقلاب اسلامی ایران، تحلیل این تغییرات با استفاده از نظریات تالکوت پارسونز، شناسایی عوامل مؤثر بر تغییرات فرهنگی پس از انقلاب و ارائه پیشنهادهایی برای تقویت انسجام اجتماعی و هویت ملی در پرتو این تغییرات.

ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

پارسونز حقوق را مجموعه هنجارها یا قواعد حاکم بر کنش‌های انسانی در موقعیتهای اجتماعی می‌داند و آن را به این سبب که کارکردی عمومی در جهت تنظیم هرگونه رابطه اجتماعی می‌شمارد، یک سازوکار عام کنترل اجتماعی به شمار می‌آورد؛ وی معتقد است نظامهای حقوقی برای آنکه بتوانند به صورت یک مکانیزم مشروع کنترل اجتماعی عمل کنند، باید از یک سو، کنش‌های متقابل را به صورت نظام مند و به گونه‌ای تنظیم کنند که همه افراد بدون تبعیض در معرض انتظارات و تعهدات عمومی یکسان قرار گیرند و از سویی دیگر، در بنیانی‌ترین بخشهای خود، نه صرفاً بر ارزشهای خالص سیاسی، که بر ارزشهای مذهبی و یا شبه مذهبی مبتنی باشند؛ پارسونز معتقد است، در جوامعی که توافق بر سر ارزش‌ها وجود دارد حقوق و قوانین بهتر می‌توانند کارکرد همبستگی اجتماعی را تأمین نمایند، در این صورت قوانین، فشار هنجاری و ارزشی را با خود همراه دارند. نکته مهم دیگر نیز اینکه پارسونز ابعاد اثربخشی را شامل انطباق، انسجام، دستیابی به هدف و نهفتگی می‌داند و از این منظر قانون اگر بخواهد اثربخش باشد باید منجر به انطباق، نیل به اهداف، انسجام و حفظ الگو گردد (نصیری و همکاران، ۱۴۰۳)؛ بر اساس نظریات تالکوت پارسونز، نظام ارزش‌ها که هسته اصلی فرهنگ را تشکیل داده و جهت‌دهنده رفتار افراد و گروه‌ها هستند شامل ارزش‌های مذهبی، ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های فردی می‌باشد و ایدئولوژی انقلاب بر ارزش‌های موجود مؤثر بوده به ایجاد ارزش‌های جدید منتهی شده است (Movahedy et al., 2020). در زمینه هنجارها یا همان قواعد و مقرراتی که رفتار افراد را در جامعه تنظیم

کرده و در بردارنده هنجارهای رفتاری (هنجارهای مرتبط با پوشش، روابط اجتماعی، مصرف، و تفریحات)، هنجارهای سازمانی و هنجارهای قانونی به وضوح تاثیر سنت و مدرنیته بر هنجارها و تقابل سنت و مدرنیته بر شکل گیری و تغییر هنجارها قابل ملاحظه است؛ از سوی دیگر در نظریه پارسونز به نمادها که شامل اشیاء، تصاویر، کلمات، و رفتارهایی هستند که دارای معانی خاصی بوده و در انتقال ارزش ها و هنجارها نقش دارند نیز توجه ویژه ای شده و نمادهای ملی، نمادهای مذهبی و نمادهای هنری نیز دستخوش تغییر شده و انقلاب ها منجر به ایجاد و ترویج نمادهای جدید می شوند (Hernández, 2024). پارسونز معتقد است نهادها که الگوهای پایدار و سازمان یافته ای از رفتار هستند که نیازهای اساسی جامعه را برآورده می کنند نیز در انقلاب ها تحت تاثیر قرار می گیرند و تغییرات در نهادها می تواند نشان دهنده تغییرات در نظام اجتماعی و فرهنگی باشد؛ نمادهایی همچون نهاد خانواده، نهاد آموزش، نهاد اقتصاد و نهاد سیاست تحت تاثیر انقلاب ها قرار گرفته و توسعه نمادهای جدید مورد انتظار است (Millefiorini, 2025). این پژوهش با هدف بررسی ابعاد تغییرات فرهنگی پس از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷) و تحلیل عوامل مؤثر بر آن، از چارچوب نظریه سیستمهای اجتماعی تالکوت پارسونز بهره میگیرد. پارسونز با ارائه الگوی انطباق، دستیابی به هدف، یکپارچگی، و حفظ الگو، ابزاری مفهومی برای تحلیل پویاییهای فرهنگی در جوامع فراهم میکند. این نظریه بهویژه برای مطالعه تغییرات ساختاری-کارکردی ناشی از انقلابها مناسب است، چرا که انقلاب اسلامی بهمثابه یک نقطه عطف، نظام فرهنگی ایران را در سطوح ارزشها، هنجارها و نمادها دگرگون ساخته است (Yolanda & Hasanudin, 2024). بر اساس نظریه پارسونز، فرهنگ به عنوان زیرسیستمی از نظام اجتماعی، نقش کلیدی در حفظ انسجام اجتماعی و انتقال ارزشها دارد. انقلاب اسلامی با جایگزینی الگوی فرهنگی مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی-شیعی به جای گفتمان سکولار پیشین، تغییراتی در الگوهای نمادین (مانند تقویت شعائر دینی) و ارزشهای محوری (مانند تأکید بر استقلال فرهنگی و عدالت اجتماعی) ایجاد کرد (Nasrul, 2024). این پژوهش با تمرکز بر چهار کارکرد AGIL، تحلیلی می کند که چگونه این تغییرات، تعادل جدیدی در نظام فرهنگی ایران برقرار کرده است. در پژوهشی با عنوان «نقد و بررسی پیش فرض ها و زمینه های اجتماعی نظریه «کنش اجتماعی» تالکوت پارسونز» مقدار تأثیر مبانی و مبادی نظریه تالکوت پارسونز بر نظریه او سنجیده و این پرسش مطرح شده است که «آیا این نظریه با اصلاح بعضی پیش فرض ها، در مسائل بومی به کار خواهد رفت یا به سبب مبانی سکولار آن، کاملاً کنار گذاشته میشود؟» محققان اعلام کرده اند به نظر می رسد نظریه پارسونز انسجام منطقی و مبنایی ندارد و لذا در پرتو مبانی اسلامی برخی اصلاحات مهم در این نظریه پیشنهاد کرده اند، بعد از این اصلاحات نظریه منسجم تری ارائه داده اند که میتوان آن را مبنای برخی کارها قرار داد؛ برای نمونه، اراده گرایی و وجود جامعه از مهم ترین ادعا های پارسونز است، اما اثبات این ادعاها بدون برخی مبانی مثل امر بین الامرین و کلی طبیعی ممکن نیست (شفق، ۱۳۸۹). در مطالعه ای با عنوان «جنسیت و نقش های اجتماعی در مجلات کودکان (آزمون نظری نقش تالکوت پارسونز)» هدف و انگیزه انجام پژوهش شناسایی و مقایسه نقش های اجتماعی زن و مرد در مجلات کودکان و نوجوانان بیان شده و بنابراین، سعی شده تا زنان و مردان داستان های مجلات در قالب شانزده نقش معرفی شده پارسونز و از نظر ویژگی های شخصیتی، وضعیت طبقاتی که در داستان بدان اشاره شده، نوع تفریح، فعالیت های سیاسی، تصمیم گیری، مهربانی، ایمان، زیبایی و جزآن با یکدیگر مقایسه شوند. بررسی متغیرهایی چون جنسیت نویسنده و تصویرگر بر ارائه تصاویر و نقش های اجتماعی هدف دوم تحقیق بوده و نمونه آماری در این تحقیق شامل تمامی داستان های مجلات دوست، دانش آموز و نوآموز و شامل ۱۱۷ داستان است که به شیوه تصادفی انتخاب شده اند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تبیینی یعنی مطالعه داستان های مجلات و شناسایی مقولات مطرح شده در آن ها و تکنیک تحقیق، تحلیل محتواست. داده های مورد نیاز توسط پرسشنامه معکوس جمع آوری شد. سپس، فرضیه ها با برنامه نرم افزاری SPSS به وسیله آزمون کی دو (مربع کای) تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهشی نشان داد که زنان برعکس مردان غالباً نقش های عادی برعهده دارند تا نقش های بانفوذ، کمکی یا راهبردی. علاوه بر این، بین جنسیت نویسنده و جنس با ایمان، جنس نقش اول داستان، فعالیت سیاسی مرد و نحوه کسب نقش مرد رابطه ای معنادار وجود دارد اما میان بقیه متغیرهای تحقیق رابطه

معناداری مشاهده نشد. همچنین، مشخص شد که نقش زنان در این مجلات با نقش‌های متنوع و گسترده زنان در جامعه امروزی ایران سنخیتی ندارد (مقصودی و تندولی، ۱۳۹۳). در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی تکامل اجتماعی از دیدگاه تالکوت پارسونز و استاد مطهری» محققان با اتکا بر روش تطبیقی دیدگاه تالکوت پارسونز و استاد مطهری در خصوص تکامل اجتماعی را با یکدیگر مقایسه کردند تا از این رهگذر به فهمی عمیق از چستی تکامل اجتماعی و دلالت‌های اجتماعی و فرهنگی آن دست یابند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این دو دیدگاه در موضوعاتی همچون اعتقاد به هستی مستقل برای جامعه، رویکرد تلفیقی به نقش‌آفرینی توأمان فرد و جامعه (ساختارها) در فرایند زیست اجتماعی و تکامل جامعه، چندخطی بودن مسیر تکامل اجتماعی با یکدیگر مشابهت دارند؛ همچنین این دو دیدگاه، در خصوص چستی تکامل اجتماعی، شاخص تکامل، عامل تکامل و غایت آن با یکدیگر اختلاف نظر دارند (اسدی و شرف‌الدین، ۱۴۰۱). مرور ادبیات تحقیق بیانگر ضرورت پرداختن به موضوع تحولات فرهنگی پس از انقلاب اسلامی بر اساس نظریات تالکوت پارسونز می‌باشد.

روش پژوهش

روش تحقیق حاضر از حیث هدف، پژوهشی بنیادی است که با رویکرد کیفی و با استراتژی استقرایی در گام کیفی انجام شد؛ رویکرد اکتشافی حاکم بر تحقیق بوده و تحلیل محتوای متن مصاحبه با نمونه‌ای ۱۲ نفره از خبرگان حوزه و دانشگاه (دارای ویژگی‌هایی شامل مدرک دکتری و مرتبه دانشیاری و استادی و سابقه فعالیت در حوزه فرهنگی و آشنا با مباحث مورد مطالعه) که به روش هدفمند بر اساس قاعده اشباع نظری انتخاب شده بودند مولفه‌های هریک از کارکردهای چهارگانه انطباق، نیل به هدف، یکپارچگی و نهفتگی یا نگهداشت الگو را حاصل ساخت. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه عمیق نیمه ساختار یافته بوده (پروتکل مصاحبه به شرح جدول یک است) و جهت اعتبار سنجی، علاوه بر انجام فرایند کدگذاری توسط دو محقق به صورت مجزا و مقایسه کدهای حاصله، از توافق درون موضوعی و تائید دو کدگذار خبره نیز استفاده شد و متن مصاحبه کدگذاری شده و گزاره‌های مستخرج از آن برای دو نفر از خبرگان مصاحبه شونده ارسال و پیشنهادات آنها در کدگذاری و تحلیل روابط معنایی و دسته‌بندی مولفه‌ها اعمال شد. پایایی این گام نیز مطابق ضریب پایایی هولستی با ضریب ۹۴ درصد مورد تائید قرار گرفت.

جدول ۱. پروتکل مصاحبه

نوع سوال	سوال
هویتی	یک توضیح مختصر در رابطه با خودتان و تجربیات و سوابق کاری خود بفرمایید.
زمینه‌ای	به نظر جنابعالی نظریات تالکوت پارسونز در تغییرات فرهنگی پس از انقلاب اسلامی چگونه نمود پیدا می‌کند؟ در نظریات تالکوت پارسونز چهار بعد انطباق، نیل به هدف، یکپارچگی و نهفتگی یا نگهداشت الگو چگونه با تحولات فرهنگی پس از انقلاب تناسب پیدا می‌کند؟
سنسوری	خود را در نقش یک تصمیم‌گیرنده و سیاست‌گذار در حوزه فرهنگی تصور کنید و بفرمایید جهت توسعه فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی مبتنی بر نظریات پارسونز چه ایده‌هایی دارید؟
دایرکتیو	به نظر شما تحولات فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی در حوزه بعد انطباق نظریه پارسونز در چه مواردی نمایان شده است؟ چه مواردی را می‌توان زمینه ساز تحولات فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی در حوزه بعد نیل به هدف نظریه پارسونز دانست؟ چه مواردی را می‌توانید در حوزه یکپارچگی نظریه پارسونز به عنوان تحول فرهنگی حاصل از انقلاب اسلامی نام ببرید؟ چه مواردی در حوزه نهفتگی یا نگهداشت الگو نظریه پارسونز زمینه ساز تحول فرهنگی حاصل از انقلاب اسلامی می‌باشند؟
قضائوتی	در خصوص تحولات فرهنگی در ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی طبق نظریه تالکوت پارسونز چه دیدگاهی دارید؟

[illegible]

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل تغییرات فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی در قالب چهار کارکرد سیستم اجتماعی پارسونز نشان می‌دهد که نظام فرهنگی ایران با سازوکارهای پیچیده‌ای در سطوح مختلف تحول یافته است. این تغییرات نه تنها در راستای بازتولید ارزش‌های انقلابی بوده، بلکه واکنشی انطباقی به چالش‌های داخلی و بین‌المللی نیز محسوب می‌شود؛ در کارکرد انطباق، نتایج مصاحبه با خبرگان حاکی از این بود که اقتصاد مقاومتی و خودکفایی، سیاست‌گذاری زبانی، و دیپلماسی فرهنگی به خوبی نشان‌دهنده تلاش موثر سیستم برای رشد و توسعه در محیط فرهنگی ایران اسلامی پس از انقلاب است، تبدیل تهدید تحریم‌ها به فرصت‌هایی مانند توسعه‌ی فناوری‌های داخلی در حوزه‌ی نانو و زیست‌فناوری نیز نشانه‌ای از این توسعه موفق فرهنگی است. کارکرد نیل به هدف نظریه پارسونز در قالب اسلامی‌سازی فرهنگ، تولید علم دینی، و نهادسازی انقلابی، همگی در راستای تحقق ایدئولوژی حکومت اسلامی طراحی شده‌اند و با تأسیس نهادهای آموزشی و دانشگاه‌هایی همچون دانشگاه امام صادق به‌عنوان الگویی برای تلفیق علوم انسانی با مبانی اسلامی به خوبی نیل به اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی را نمایان می‌سازد. کارکرد یکپارچگی نیز بر اساس دیدگاه خبرگان مشارکت‌کننده در تحقیق حاضر در قالب تقویت هویت شیعی-ایرانی و ایجاد اسطوره‌های مشترک (مانند شهدا) به انسجام ملی کمک کرده، کاهش تنش‌های قومیتی و نسلی در اثر انسجام و یکپارچگی فرهنگی نشان‌دهنده افق‌های روشن پیش روی ایرانی است که در تلفیقی از نمادها، هنجارها و نهادهای ایرانی اسلامی مسیر رشد و غنای فرهنگی را به سرعت طی می‌کند، به عنوان مثال مناسبت‌های انقلابی مانند ۲۲ بهمن به‌عنوان نماد وحدت ملی یکپارچگی اقوام و قومیت‌های مختلف ایرانی را تقویت کرده است. در زمینه کارکرد حفظ الگو مفاهیمی همچون تحول آموزش و پرورش، تغییر الگوهای خانواده، و بازتعریف مفاهیم بنیادین، مکانیسم‌های بازتولید ارزش‌ها در نسل‌های جدید نمایانگر تحولات مثبت فرهنگی بوده و گفتمان «تهاجم فرهنگی» در کتاب‌های درسی برای مقابله با نفوذ غرب نمادی از این پیشرفت فرهنگی پس از انقلاب در ایرانی با پیشینه غنی فرهنگی است.

انقلاب اسلامی سیستم فرهنگی ایران را به‌طور عمیق متحول کرده و این تغییرات در چهارچوب پارسونز نشان می‌دهد که نظام فرهنگی ایران انعطاف‌پذیری بالایی در انطباق با شرایط داشته است، ایدئولوژی اسلامی به‌عنوان محور اصلی جهت‌دهی به تغییرات عمل کرده است، انسجام اجتماعی از طریق نمادها و نهادهای جدید تقویت شده، اما شکاف‌های نسلی و قومیتی همچنان چالش‌برانگیزند، مکانیسم‌های حفظ الگو (مانند آموزش و رسانه) در کوتاه‌مدت موفق بوده‌اند، اما پایداری آن‌ها در بلندمدت نیازمند بازنگری است. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان پیشنهادات سیاستی و مدیریتی به این ترتیب ارائه داد که مبتنی بر کارکرد انطباق (اقتصاد و فناوری)، توسعه فناوری‌های فرهنگی (مانند پلتفرم‌های دیجیتال بومی) برای مقابله با جنگ نرم دشمن و تقویت زبان فارسی در فضای مجازی به‌عنوان ابزاری برای مقابله با هجوم فرهنگی پیشنهاد می‌شود؛ در حوزه کارکرد نیل به هدف (سیاست‌گذاری فرهنگی)، پیشنهاد می‌شود به بازتعریف علوم دینی با رویکردهای نوین و بین‌رشته‌ای به‌جای تقلید از الگوهای سنتی و نیز تدوین سند راهبردی سبک زندگی ایرانی-اسلامی با مشارکت نخبگان و جامعه‌ی مدنی اقدام گردد. مبتنی بر کارکرد یکپارچگی (انسجام ملی) به مدیران و سیاست‌گذاران کشور پیشنهاد می‌شود به طراحی سیاست‌های فراگیر قومیتی با ترکیب هویت‌های محلی و ملی و همچنین ایجاد نهادهای گفت‌وگوی بین‌نسلی برای کاهش شکاف ارزشی جوانان و نسل انقلاب همت گمارند. در مورد کارکرد حفظ الگو (آموزش و رسانه) پیشنهاد می‌شود بازنگری در نظام آموزشی با تأکید بر مهارت‌های انتقادی به‌جای حفظ‌محوری و تولید محتوای جذاب دینی-انقلابی در رسانه‌های دیجیتال برای نسل زد توجه ویژه داشته باشند. به محققان علاقه‌مند نیز پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به پژوهش‌های تطبیقی همچون مقایسه‌ی تغییرات فرهنگی ایران با دیگر انقلاب‌های جهان (مانند انقلاب کوبا یا روسیه) بپردازند و در قالب پژوهشی تجربی به سنجش تأثیر اقتصاد مقاومتی بر ارزش‌های فرهنگی جوانان با روش‌های پیمایشی اقدام نمایند. محققان علاقه‌مند به پژوهش‌های انتقادی نیز می‌توانند به بررسی تضاد بین گفتمان رسمی و سبک زندگی واقعی مردم در کلان‌شهرها بپردازند؛ پیشنهاد می‌شود در قالب یک پژوهش بین‌رشته‌ای بر روی تلفیق نظریه‌ی پارسونز با رویکردهای پست مدرن برای تحلیل چندبعدی تغییرات فرهنگی نیز توجه داشته باشند و در قالب یک پژوهش آینده‌نگر به موضوع مدل‌سازی تأثیر

فضای مجازی بر تضعیف یا تقویت مکانیسم‌های حفظ الگو به عنوان یکی از کارکردهای اصلی سیستم اجتماعی نظریه تالکوت پارسونز پردازند.

پژوهش حاضر نشان داد که تغییرات فرهنگی پس از انقلاب اسلامی پویا، چندبعدی و فراگیر بوده و موفقیت سیستم در آینده در سایه تعادل بین ایدئولوژی و انعطاف‌پذیری، پاسخگویی به نیازهای نسل جدید و به‌کارگیری ظرفیت‌های دیجیتال در مدیریت فرهنگی بستگی دارد؛ این چارچوب می‌تواند هم برای سیاست‌گذاران و هم برای پژوهشگران به‌عنوان نقشه‌ی راهی برای درک عمیق‌تر تحولات فرهنگی ایران مفید باشد.

منابع

- اسدی، حسین و شرف‌الدین، سیدحسین. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی تکامل اجتماعی از دیدگاه تالکوت پارسونز و استاد مطهری. فصلنامه علمی پژوهشی آیین حکمت، ۱۴ (پاییز ۱۴۰۱ مسلسل ۵۳)، ۸۷-۱۱۸. doi: 10.22081/pwq.2024.75547.
- رجبی فرجاد، حاجیه؛ فریبا شایگان و ضرغام سرپرست؛ (۱۳۹۹). «نقش اقتصاد مقاومتی بر احساس امنیت اجتماعی»، توسعه سازمانی پلیس، دوره ۱۷، شماره ۷۲، ۵۶-۳۱.
- شفیق، غلامرضا. (۱۳۸۹). نقد و بررسی پیش‌فرض‌ها و زمینه‌های اجتماعی نظریه «کنش اجتماعی» تالکوت پارسونز. فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، ۱۲ (۱)، ۱۵۳-۱۸۴. <https://marefatefarhangi.nashriyat.ir/node/53>.
- مقصودی، سوده و تندولی، سمیرا. (۱۳۹۳). جنسیت و نقش‌های اجتماعی در مجلات کودکان (آزمون نظری نقش تالکوت پارسونز). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۳ (۱)، ۱۳۹-۱۲۱. doi: 10.22059/jisr.2014.52466.
- نصیری، مهدی، سلیمی، علی و مشکاتی، صادق. (۱۴۰۳). تحلیل جامعه‌شناختی از بایسته‌های حکومت در وضع و اجرای اثربخش قوانین؛ با استفاده از روش تحلیل مضمون. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱۵ (۴)، -۹۲۲۵. doi: 10.30465/scs.2024.9225.
- Chotim, E. R. (2022). Talcott Parsons' sociological perspective in viewing social change in society in the new normal era. *International Journal of Demos*, 4(1), 607-617.
- Hafinda, T., & Zuhilmi, Z. (2021). SOCIAL CHANGES IN SOCIOLOGICAL PERSPECTIVE TALCOTT PARSONS: THE SCHOOL OF THE NEW NORMAL ERA OF HUMANS. In *PROCEEDINGS: Dirundeng International Conference on Islamic Studies* (pp. 387-402).
- Hernández, J. G. (2024). La Teoría de la Acción social clásica. Una revisión analítica desde Talcott Parsons. *Revista Central de Sociología*, 18(18), 94-114.
- Mahlert, B. (2021). Addressing Parsons in sociological textbooks: Past conflicts, contemporary readers, and their future gains. *The American Sociologist*, 52(1), 88-106.
- Matuszek, K. C. (2024). The Right Discussion Partner, but Problematic Conclusions. *Constructivist Foundations*, 19(2), 182-183.
- Millefiorini, A. (Ed.). (2025). *Democracies on the Move: Contributions to a Social Theory of Contemporary Democracies*. Taylor & Francis.
- Mohammady, A., Abbaszadeh, M., Alizadeh Aghdam, M. B., & Gholabi, F. (2025). Weak Cultural Governance, A Missing Link in the Political Development of Tabriz; A Qualitative Research. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 13(25), 9-47.

Movahedy, E., Karimi, M. R., & Khoddamy, A. (2020). The Role of Deploying Governments in Iran after the Revolution on Cultural Policy-making and Its Effect on Sociology Books Concepts of Secondary School in Education. *Revista Turismo Estudos e Práticas-RTEP/GEPLAT/UERN*, (2), 1-16.

Nasrul, N. (2024, August). Implementation of Talcott Parsons' AGIL Scheme in Family and Community Education: A Case Study in the Era of Globalization. In *Proceeding of International Conference on Islamic and Interdisciplinary Studies*, Vol. 3, 181-184.

Sakbanai, R., Ningsih, D. P., Apriawan, A., Rahmadi, D. S., & Suryadmaja, G. (2023). The Role of Islamic Boarding Schools in Social Change; Talcott Parson's Structural Functional Review. *International Journal of Social Sciences and Humanities*, 1(2), 66-74.

Tavasoli, A. (2025). Alternative Paradigms or Ideological Alignment: The Duality of Islamic Social Science. *Sociology of Islam*, 11(1), 59-79.

Treviño, A. J., & Staubmann, H. (Eds.). (2022). *The Routledge international handbook of Talcott Parsons studies*. Routledge, Taylor & Francis Group.

Weiss, R., & Gomes Neto, J. (2021). Talcott parsons and the sociology of morality. *The American Sociologist*, 52(1), 107-130.

Wicaksono, I. (2024). The Persistence of Tradition Amid Modernization: A Functionalist Study of Nubian Customs in Egypt. *Al-Adabiya: Jurnal Kebudayaan dan Keagamaan*, 19(2), 135-152.

Yolanda, Y., & Hasanudin, F. (2024). Fostering School-Age Teenagers: An Effort to Repress Child Marriage in The Perspective of Talcott Parsons. *FOKUS Jurnal Kajian Keislaman dan Kemasyarakatan*, 9(2), 194-211.